

# فریضه انتخابات و شهداء

۲۰ دقیقه (زمان تخمینی مطالعه این متن)

▼ **اشاره:** انتخابات در ایران، مظهر اراده ملی و مردم‌سالاری دینی بوده و از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. با نزدیک شدن به روزهای انتخابات، تب و تاب بحث‌های سیاسی بر سر موضوعاتی چون شرکت یا عدم شرکت در این رزمایش سیاسی ملی، سوابق کاندیداها، شعارها و برنامه‌های‌شان و سرانجام انتخاب اصلاح، در بین اقشار مختلف جامعه بالا می‌گیرد.

در این میان دشمنان قسم‌خورده انقلاب نیز با شناخت و درک نقش حیاتی انتخابات در استحکام پایه‌های نظام جمهوری اسلامی، از یک سو تمامی توان خود را برای کم‌رنگ کردن حضور ملت در پای صندوق‌های رأی به میدان می‌آورند و از سوی دیگر می‌کوشند تا با اثرگذاری بر آرای آحاد ملت، آن‌ها را از انتخاب گزینه‌ای همسو با آرمان‌های انقلاب دور کنند.

اما از آن‌جا که شهدا برای همیشه چراغ‌های روشن در ظلمت دنیای مادی هستند، راه و رسم‌شان در همه عرصه‌ها از جمله عرصه مشارکت سیاسی می‌تواند سرمشق و الگویی مناسب باشد. این نوشتار کوشیده در قالب وصایا و خاطرات شهدا در موضوع انتخابات، بارقه‌ای از این چراغ را پیش چشم امت ایران اسلامی قرار دهد. امید است آن هادی مقتدر، دل‌های‌مان را به سوی انتخابی شایسته و درخور نام پرآوازه انقلاب اسلامی رهنمون سازد.

**کلیدواژه:** شهداء؛ انتخابات؛ وصیت انتخاباتی شهدا؛ سیره انتخاباتی شهدا

## □ وصیت انتخاباتی شهدا

(۱) برادران هوشیار باشد. در انتخاب افراد مواظب باشید. غافل نشوید که در دام تبلیغات دشمنان اسلام بیفتید. (شهید فرج‌الله رضایی)

- ۲) بدانید هر رأی که شما به صندوق می‌ریزید، مشتمل بر رأی است که به دهان ضدانقلاب و اربابان آمریکایی‌شان می‌زنید و یک قدم او را وادار به عقب‌نشینی می‌کنید. (شهید حیدر باقری)
- ۳) ای امت شهیدپرور! حالت انقلابی و مذهبی خودتان را حفظ کنید و در صحنه انتخابات شرکت فعال داشته باشید و صحنه را ترک نکنید که این خواست دشمن است. (شهید سیدعلی اعتصامی)
- ۴) در انتخابات، با کمال شناخت، آگاهی، بصیرت و ایمان انتخاب کنید. (شهید سیدرضا فاطمی)
- ۵) با حفظ شور و شوق انقلابی و حضور در صحنه انتخابات مشتمل بر دهان‌آیادی استکبار بزنید. (شهید آیت‌الله مساح بوانی)
- ۶) از مردم غیور و شجاع می‌خواهم که در مسائل سیاسی و انتخابات وارد شوند و نگذارند ولایت فقیه و روحانیت در خط امام مظلوم واقع شوند. (شهید مهدی جعفری)
- ۷) هرکس به اندازه توانایی خویش احساس مسئولیت کند. در انتخابات با هوشیاری تمام به تقویت اسلام پردازید. مبدا بگویید چیزها گران شده یا اجناس کم است و هی نگویید انقلاب برای ما چه کرده، بگویید ما به عنوان یک شیعه امام‌زمان (عج) چه کاری برای انقلاب و امام‌زمان (عج) کرده‌ایم. (شهید اسدالله حبیبی)
- ۸) در انتخابات شرکت کنید که تکلیف الهی است. رأی شما دفاع از اسلام و قرآن است و مواظب باشید به کسانی که برای شهرت و قدرت خود را مطرح ساخته‌اند رأی ندهید. (شهید محمدعلی قیصری)
- ۹) اسلام آدم‌بی‌تفاوت و کناره‌گیر از مسائل سیاسی نمی‌خواهد. حضور در انتخابات یعنی راه سعادت را انتخاب کردن و دنبال وسوسه‌های شیطان نرفتن. (شهید حسین ترک)
- ۱۰) نشستن در کنج خانه به دور از هرگونه حرکت اجتماعی و مسئولیت‌عظیمی که بر دوش هر مسلمان است و به ندای امام حسین (ع) و همه شهدای انقلاب اسلامی پاسخ نگفتن، خیانت است. (شهید منصور سلطانی)
- ۱۱) ملت غیور ایران! در صحنه‌های انقلاب حضور مداوم و مستمر داشته باشید که بیگانگان فکر این‌را نکنند که انقلاب بی‌یاور شده و فکر تهاجم به مملکت را داشته باشند. (شهید محمدرضا صادقی)
- ۱۲) ای مردم! در صحنه باشید و افرادی را انتخاب کنید که ثمره خون شهیدان را پایمال نکنند

که در این صورت شما مسؤول خواهید بود. (شهید علی طباطبایی)

۱۳) صحنه‌ها را خالی نکنید و وحدت خود را حفظ کنید و با شرکت در نمازهای جمعه و جماعت و برنامه انتخابات چشم دشمنان اسلام را کور کنید. (شهید علی رضا کریمی)

۱۴) با حضور در صحنه نماز جمعه، راهپیمایی‌ها و انتخابات به حفظ دستاوردهای انقلاب و حراست از آن‌ها پردازید. (شهید سیدمهدی مشایخی)

۱۵) آگاهانه انتخاب کنید و نگذارید هوس‌های شیطانی در شما راه پیدا کند. (شهید رضا جوادی)

۱۶) همیشه در صحنه باشید و پا به پای مردم صحنه‌ها را پرنگه دارید و در انتخابات فعالانه شرکت کنید و مواظب دشمنان داخلی و خارجی باشید. (شهید قدم‌علی عابدینی)

## سیره انتخاباتی شهدا

۱) اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری، اسم بنی صدر و رزبان‌ها بود؛ حتی خیلی از مذهبی‌ها می‌خواستند به او رأی بدهند، اما محسن هم سیاست را خوب می‌فهمید، هم مردان سیاسی را خوب می‌شناخت. می‌گفت «می‌دونم بنی صدر برنده است. شرایط جامعه الآن طوریه که اون تونسته خودش رو موجه نشون بده؛ اما من بهش رأی نمی‌دم. یه دونه رأی هم یه دونه است. بذار حداقل یه دونه رأیش کمتر بشه.» (شهید حجت الاسلام سیدمحسن روحانی، مسؤول عقیدتی لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup>)

۲) حرف انتخابات که می‌شد، تأکیدش روی دوواژه بود، مؤمن و انقلابی. می‌گفت «ما پای آرمان‌های امام و انقلاب خون داده‌ایم. باید کسی رو انتخاب کنیم که این آرمان‌ها رو محقق کنه. به کسی رأی بدیم که دنبال منافع انقلاب اسلامی باشه، نه این که پی باندبازی و حزب خودش بره.» (شهید مدافع حرم حاج سعید سیاح طاهری)

۳) شناسنامه‌های مان از شب قبل سرطاقچه بود. صبح هم حساب می‌کرد که اگر دونه دقیقه به شش راه بیفتیم، نفر اول می‌شویم. می‌گفتم «آقا مگه کسی دنبال مون کرده؟» می‌خندید. می‌گفت «اول وقت کیفیتش بیشتره.» (شهید مدافع حرم سعید سامانلو)

۴) بچه‌ها توی خیابان چهارمردان قم ستاد زده بودند. رفته بود به‌شان سر بزنند. دیده بود شور و حال ندارند. گفت بود «چراپی کار نشستید؟» گفته بودند «نه پول داریم، نه بودجه.» حقوقش را همان روز گرفته بود، هزار و دویست تومان. سیصد تومانش را همان جا در آورده

بود. گفته بود «توی انتخابات آبروی انقلاب اسلامی درمیونه. همه باید کمک کنیم تا پرشور برگزار بشه. بیایید، اینم سهم من.» (شهید حسن محمودنژاد)

۵) بین برادر من اصلا کاری ندارم به کی رأی می‌دی؛ ولی حضور باید حداکثری باشد. این حرف را بعد کلی جر و بحث به همه آن‌هایی می‌گفت که نظرشان مخالف نظرش بود. کافی بود بفهمد کسی نمی‌خواهد رأی بدهد، می‌رفت سراغش. يك وقت می‌دیدى طرف را برده پای صندوق. رأی که داده بود هیچ، اسم‌کاندیدایی را هم نوشته بود که مهدی گفته بود. (شهید مدافع حرم سیدمهدی موسوی)

۶) این‌طور نبود که برود يك رأی بدهد و تمام. برای همین يك انتخابش هم، پای چه بحث‌ها که ننشسته بود. چه مناظراتی که نشینده و ندیده بود. چه تحلیل‌ها که نکرده بود. هر کس ولایتی تر بود، انتخاب روح‌الله می‌شد. (شهید مدافع حرم روح‌الله صحرایی)

۷) حرف از انتخابات شد. حاج احمد گفت: «توبه کی رأی دادی؟» گفتم به آقای بنی‌صدر. آهی کشید و گفت «خیانت کردی.» گفتم «چرا؟» گفت «بنی‌صدر از جو حاکم بر مملکت که بحث دین و معادۀ سوءاستفاده کرد و او مد مناظره، اون وقت شما فکر کردید آدم مسلمونیه و از اهداف دین خوب دفاع می‌کنه. اما کسی که این همه سال توی فرانسه درس خونده نمی‌تونه رئیس‌جمهور این مملکت باشه. توی صحبت‌هاش دقیق شدم. دیدم يك جا این حرف روزه، جایی دیگه حرف دیگه‌ای زده. چون با امام مخالفه، منم باهاش مخالفم. این آدمی نیست که بتونه کشتی انقلاب رو جلو بیره و به مشکل بر می‌خوره. شما خیلی با بنی‌صدر درگیر نبودید. نمی‌دونید این چه جونوریه.» بیست و هفت هشت سال بیشتر نداشت، اما اندازه يك سیاستمدار کهنه کار می‌فهمید. (جاویدالثر حاج احمد متوسلیان، فرمانده تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله<sup>(ص)</sup>)

۸) داشتم سفره را جمع می‌کردم که آمد. گفتم «صبحانه خوردی؟» گفت «آره، تازه رأیم رو هم دادم. صبح زود رفتم پای صندوق. اولین نفری بودم که رأیم رو انداختم.» کمی که نشست پیشم، گفت «مادر کاری نداری؟» پرسیدم «کجا می‌ری؟» جک موتورش را داد بالا و گفت «می‌رم یه دوری برنم.» وقتی برگشت، خیلی خوشحال بود. فهمیدم استقبال مردم خوب بوده. (شهید مرتضی طحان چوب مسجدی)

۹) ایام انتخابات بود و بحث‌کاندیداها داغ. همان روزها اسماعیل تازه از سوریه برگشته بود.

می نشست کنار بچه‌ها و با هم تجزیه و تحلیل می کردند. به شان می گفت «با تحقیق و مطالعه جلو برید. باید گزینه‌ای رو که انتخاب می کنید از روی بصیرت باشه تا شرمنده خون شهدا نشید.» (شهید حاج اسماعیل حیدری)

۱۰) صبح تا شب می دوید این طرف آن طرف. هدفش هم یک چیز بود، حضور بیشتر مردم پای صندوق‌های رأی. نصفه‌های شب می آمد سراغ مان که پاشید بریم پلاکاردها رو نصب کنیم. راستش با آن همه ضدانقلابی که توی خیابان‌های سنندج ریخته بود، می ترسیدیم، اما خجالت می کشیدیم بگوییم نه. می گفت «بذار مردم صبح که از خونه بیرون میان، با نظام و امام بیشتر آشنا بشن.» (شهید یوسف براهنی فر، مسؤول واحد تخریب تیپ ۲۱ امام رضا<sup>(ع)</sup>)

۱۱) می گفت «بابا ولایت، ولایت، ولایت.» در انتخابات مجلس، شوراها، خبرگان، ریاست جمهوری. کسی که ولایت پذیری اش بیشتر بود، انتخاب اسماعیل می شد. (شهید مدافع حرم اسماعیل خانزاده)

۱۲) صبح زود بیدار می شدیم. صبحانه می خوردیم و بعد با بادست مان را می گرفت و راه می افتادیم. فرقی هم نمی کرد چه انتخاباتی باشد، ریاست جمهوری، شورای شهر، مجلس، خبرگان. می گفت «رأی داده یه وظیفه ست، یه عبادته، هرچی زودتر انجامش بدیم بهتره.» (شهید مدافع حرم حاج رحیم کابلی)

۱۳) از وقتی سَنَس به رأی دادن رسید، یک انتخابات را هم از دست نداد. مثل بقیه یک رأی داشت، اما برای همان هم کلی مشورت می کرد. هیچ وقت خودسرانه تصمیم نگرفت، چه آن زمان که دانشجو بود، چه وقتی که شده بود مهندس. خودش که پای کار بود، بقیه را هم تشویق می کرد به رأی دادن، هم کلاسی، هم دانشگاهی، هم اتاقی، استاد. به شان ملاک می داد و می گفت «خط ولایت باید حفظ بشه. این ملاک انتخاب تون باشه.» آخر هم جانش را توی همین راه فدا کرد، در راه حفظ خط ولایت. (شهید مدافع حرم هادی جعفری)

۱۴) انتخابات که می شد، کارمان در می آمد. با بابا می نشستیم سر تک تک نماینده‌ها بحث می کردیم. می گفت «برای دونه دونه افراد باید حجت شرعی و عقلی داشته باشیم. اگه یه دونه رأی من باعث بشه این آدم بیاد روی کار، باید پاسخ گو باشم.» (شهید مدافع حرم حاج سعید سیاح طاهری)

۱۵) همان روزهایی که اسم و آوازه ابوالحسن بنی صدر، خیلی‌ها را که از پشت پرده‌هایی خبر بودند، گول می زد، ابراهیم روی حرف خودش ماند. می گفت «کسی که چند سال توی شرایط بحرانی

انقلاب تو غرب زندگی کرده و حتی یه قدم برای کشورش برنداشته، دلسوز مردم و انقلاب نیست، یا قدرت طلبه یا منافق.» (شهید حاج ابراهیم جعفرزاده، فرمانده تیپ ۱۸ الغدیر)

۱۶) با ماشین خودش می‌رفت تهران. عکس شهید رجایی، جزوه و هرچه دستش می‌رسید می‌آورد قم. بعد هم از آن‌جا می‌برد دلیجان. عکس‌ها را می‌چسباند، جزوه‌ها را پخش می‌کرد. می‌گفت «نباید بذاریم اشتباه دفعه قبل تکرار بشه و یکی مثل بنی صدر بیاد بالا. باید تا می‌تونیم برای آقای رجایی تبلیغ کنیم. این بار باید یه آدم مکتبی رأی بیاره.» (شهید حسن محمودنژاد)

۱۷) بودند آدم‌هایی که می‌گفتند «چرا باید رأی بدیم؟ فایده نداره که.» برای همین يك سؤال‌شان، هزار جواب داشت. می‌گفت «رأی تك تك ما توی سرنوشت کشور مهمه و اثر داره. اگه امروز رأی ندی فردا حق نداری بگی چرا فلانی کشورمون رو به تباهی کشورند و فلان شد. اگه رأی دادی، اون وقت حق اظهار نظر پیدا می‌کنی.» (شهید مدافع حرم روح الله صحرایی)

۱۸) سرنامزدهای مجلس بحث می‌کردیم. گفتم «چرا فلانی رو تأیید می‌کنی؟» گفت «چون با شعار پشتیبانی از ولایت فقیه اومده، اون هم زمانی که بقیه برای جمع کردن رأی احزاب و گروه‌ها جرأت نکردن از ولایت فقیه صراحتاً حمایت کنن. هم‌چنین کسی نمی‌تونه به نظام خیانت کنه. نمی‌تونه خون شهدا رو نادیده بگیره.» (شهید یوسف سجودی، فرمانده تیپ سوم لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup>)

۱۹) درست روز انتخابات خواهرها و برادرها جمع شده بودیم خانه پدر. چند نفر از اقوام هم آمده بودند. حرف از رأی و انتخابات که شد، بحث بالا گرفت. بعضی‌ها گفتند «ما رأی نمی‌دیم.» می‌شناختمش. آدمی نبود که این جور وقت‌ها ساکت بماند. اما راهش را هم خوب بلد بود. از در استدلال و منطق وارد شد و همه سؤال‌های شان را جواب داد. آخر سر قانع شدند. قرار شد همگی با هم برویم مسجد که حاجی گفت «بچه‌ها رو هم با خودمون ببریم تا از همین الآن یاد بگیرن.» روح الله، سارا، زینب، چه ذوقی داشتند برای انداختن رأی‌های مان توی صندوق. (شهید حاج عباس عاصمی، مسؤول اطلاعات و تفحص سپاه علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup>)

۲۰) از منطقه برگشته بود. می‌گفت: «اومدم که این چند روز رو همراه بچه‌ها تا می‌تونیم تبلیغ کنیم.» انتخابات ریاست جمهوری بود. می‌گفت: «الآن قضیه ریاست جمهوری برای کشور از هر چیزی مهم‌تر و حیاتی‌تره، مهم که آقای رجایی با رأی بالا انتخاب بشه.» خیلی جاها با هم رفتیم، خیلی روستاها را سرزدیم. توی آن چند روز فقط خدا می‌داند چقدر از انتخابات

و آقای رجایی برای مردم گفت. (شهید ناصر بختیاری)

۲۱) سر حرف را با انتخاب کاندیدای اصلح باز کردم. گفت «من که به بنی صدر رأی نمی‌دم.» تعجب کردم. خیلی‌ها قبولش داشتند. بعد ادامه داد «اگه یادت باشه بنی صدر تا یه روز مونده به پایان مهلت نام‌نویسی، ثبت نام نکرد. گذاشت تا وقتی که از ملاقات امام برگشت. همین که از در اومد بیرون اعلام کاندیداتوری کرد. به نظرم کاسه‌ای زیر نیم کاسه ست. این آدم داره از ملاقات با امام سوء استفاده می‌کنه. می‌خواد به مردم وانمود کنه برنامه‌هایی داشته که حضرت امام تأیید کرده.» آن روزها چیزهایی فهمیده بود که خیلی‌ها ماه‌ها بعد فهمیدند.

(شهید یوسف کلاهدوز، قائم مقام فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

۲۲) مؤمن انقلابی باشه.

در صدر اولویت‌هاش رسیدگی به مستضعفین و محرومین باشه. توی سیاست خارجی، عزت و استقلال کشور رو حفظ کنه و استکبارستیز باشه. در فضای داخلی عدالت‌خواه باشه تجربه و مدیریت در سطح کلان کشوری داشته باشه. کسی که تمام این فاکتورها را داشت، اسمش ثبت می‌شد روی برگه رأی بابا. (شهید مدافع حرم حاج سعید سیاح طاهری)

۲۳) کلی برنامه ریخته بودند که بروند سر خانه و زندگی شان. از قضا تاریخ عروسی درست افتاده بود توی تب و تاب انتخابات. گفته بود «اگه بخوام عروسی بگیرم دیگه نمی‌تونم برای انتخابات وقت بذارم. همه باید تلاش کنیم مردم بیشتری بیایند تو صحنه.» عروسی‌اش را گذاشت بعد انتخابات. (شهید حسن محمودنژاد)

۲۴) مهم‌ترین معیارش برای انتخابات، نزدیکی طرز فکر و منش نامزدها با مواضع امام و رهبری بود. بین صحبت‌هایش دنبال همین می‌گشت، پیروی عملی از رهبری، کسی که این را داشت انتخاب اول و آخرش بود. (شهید حاج حسن طهرانی مقدم، رئیس سازمان جهاد خودکفایی سپاه)

۲۵) خانه که بود با هم می‌رفتیم، اما وقت‌هایی که می‌رفت پای صندوق، مجبور بود زودتر برود. دم در می‌گفت «خانوم سرگرم کارات نشی یادت بره رأی بدی؟» از آن جا هم مدام زنگ می‌زد که رفتی رأی بدی یا نه؟ سر به سرش می‌گذاشتم که بیا شناسنامه‌ام رو ببر خودت رأی بده. می‌گفت «نه خانوم نمی‌شه. باید خودت بیای.» (شهید مدافع حرم سعید سامانلو)

۲۶) می دانستیم برای هر اسمی که داخل صندوق می اندازیم، باید روز قیامت جواب بدهیم و برایش دلیل بیاوریم. سر دوراهی که می ماندیم، می رفتیم سراغ مهدی. ملاک های انتخاب دستش بود. می گفت «به کسی رأی بدید که در خط ولایت فقیه باشه. مردم دارو عاشق خدمت به مردم. توی شرایطی که زیر هجوم فرهنگی غرب هستیم، مسائل فرهنگی رودر نظر بگیره. دغدغه فرهنگ داشته باشه، دغدغه حجاب.» حرف هایش را که می شنیدیم، هم رأی مهدی می شدیم. دیگر خیال مان راحت بود. می دانستیم از اهلش پرسیده ایم، از يك خبره اهل تحقیق. (شهید مدافع حرم سید مهدی موسوی)

۲۷) استاندار اول خوزستان بود. در ظاهر مؤمن و متعهد، باطنش را فقط خدا خبر داشت. موشک و هواپیماهای پیشرفته چند میلیون دلاری که شاه خریده بود را با يك جمله که ما تو ایران موش داریم، موشک نمی خواهیم پس داده بود. ارتشی ها را فرستاده بود خانه. سربازها را معارف کرده بود. خلاصه داشت با فرش قرمز می رفت استقبال صدام. حالا همان آدم شده بود کاندیدای اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری. حسین رفت دنبال دلیل و مدرک. تمام سندهایی که علیه اش بود جمع کرد. نشریه دیواری اش که آماده شد، از این و آن قرض گرفت و همه جا پخشش کرد. بعد هم از این شهر به آن شهر و سخنرانی علیه استاندار غیراستاندارد خوزستان. چند روز قبل از انتخابات هم رفت لانه جاسوسی و سندهای دست نشانده بودنش را در آورد. تلاش هایش بالاخره نتیجه داد، وقتی شب قبل از انتخابات، عدم صلاحیت تیمسار مدنی برای نامزدی را همه از تلویزیون شنیدند. (شهید سید حسین علم الهدی)

۲۸) سر جریان انتخابات ۸۸ از مسؤولین و نظام دلخور بودند. غر می زدند که «رأی نمی دیم. اینم شد مملکت؟ اون از وضع سیاسی، اینم از وضع اقتصادی.» با حرف های شان را می شنید. می گذاشت هرچه مانده توی دل شان، بریزند بیرون. بعد با زبان خوش می گفت «تو علاقمند به کشور هستی؟ دوست داری ایران پیشرفت کنه؟ پس نباید به مسائل بزرگ سیاسی مثل انتخابات بی تفاوت باشی. اگه شما دغدغه سیاسی دارید و دل تون واسه ایران می سوزه، قدم اول اینه که باید پای صندوق های رأی و اهدافی رو که دارید، با انتخاب يك شخص یا گروه دنبال کنید.» (شهید مدافع حرم حاج سعید سیاح طاهری) #

منبع: کتاب «اثر انگشت» (خاطرات و وصایای شهدا در موضوع انتخابات)، انتشارات حماسه یاران.